



| ۳۲ | شخصیت علمی جابر بن عبد الله انصاری

حجۃ الاسلام محمد فرمیه‌نی فراهانی

علمی-پژوهشی

فصلنامهٔ تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال نوزدهم، شماره ۷۶ «وینزه پژوهش‌های حدیثی»، پائیز ۱۴۰۱، ص ۳۲-۴۸

شخصیت علمی جابر بن عبد الله انصاری

حجۃ الاسلام محمد فرمیه‌نی فراهانی^۱

چکیده

جابر بن عبد الله انصاری از صحابیان جلیل القدر رسول خدا علیہ السلام، به دلیل داشتن محبت اهل بیت علیہ السلام جایگاه خاصی نزد آنان داشت. وی در دوره‌ای که برخی از اصحاب و جاعلان به خود اجازه می‌دادند بررسول خدا علیہ السلام دروغ بینندند، از این کار امتناع کرده و به مخالفت با آنها نیزمی پرداخته است. لذا مورد اعتماد اهل بیت علیہ السلام بوده و ازوی حدیث نقل می‌کردند. وی در عرصه‌های مختلف فقهی، روایی، تاریخی و تفسیری و حتی نقل روایات اعتقادی مورد اعتماد و رجوع راویان و محدثان بوده است که نشان از جایگاه علمی وی نزد مسلمین دارد. صحیفه جابر از نوشته‌های او است که مورد استفاده بسیار راویان بعد از ایشان قرار گرفته است.

کلیدواژه: جابر بن عبد الله انصاری؛ شخصیت علمی جابر؛ فقه؛ حدیث؛ تفسیر؛

تاریخ.

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی.



مقدمه

جابر بن عبدالله انصاری (۱۶ قبل از هجرت - ۷۹ق) از اصحاب عالم رسول خدا ﷺ است که در علوم مختلف اسلامی عصرخویش دارای تبحر و نقش آفرینی بوده است. لذا بررسی شخصیت علمی ایشان و آثاری که ازوی باقی مانده، حائز اهمیت و جایگاه خاص است.

در معرفی جایگاه علمی ایشان و گردآوری اخبار نقل شده ازوی، کتب مختلفی تالیف شده است، به عنوان نمونه می‌توان به قسمتی از کتاب مسنند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)، به عنوان مسنند جابر بن عبدالله انصاری (مسنند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۹۲-۴۰۰) اشاره کرد. نسخه خطی مسنند جابر بن عبدالله، به روایت ابو عبد الرحمن عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل (م ۲۹۰ق)، در خزانة الرباط (در مغرب) موجود است (الاعلام، ج ۲، ص ۱۰۴). ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق) نیز دو جلد از کتاب جامع المسانید را به وی اختصاص داده است (رک: جامع المسانید، ج ۲۳ و ۲۴). کتاب جابر بن عبدالله انصاری و فقهه، تالیف دکتر موسی بن علی بن محمد الامیر گزارش کاملی از نظرات فقهی جابر است (بیروت، ۱۴۲۱ق)؛ کتاب جابر بن عبدالله الانصاری حیاته و مسنده، تالیف حسین واثقی نیز روایات منابع امامی ایشان در ابواب مختلف را گرد آورده است (قم، ۱۳۸۹ش)؛ کتاب جابر بن عبدالله صحابی امام و حافظ فقیه، تالیف وهبی سلیمان غاوچی (م ۱۴۳۴ق) به معرفی شخصیت جابر و جنبه‌های علمی وی به خصوص جایگاه او در حدیث و فقه پرداخته است (دمشق، ۱۹۸۸م). اینها برخی از پژوهش‌های جدید در مورد این صحابی هستند.

محمد رضا هدایت پناه نیز با نگارش دو مقاله به جایگاه جابر در نقل اخبار سیره رسول خدا ﷺ پرداخته است (رک: سیره نگاری جابر بن عبدالله انصاری؛ شفاهی یا مکتوب؟ مجله تاریخ اسلام، دوره ۲۱، تابستان ۹۹؛ شیعه پیشگام در سیره نگاری، جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره نگاری، مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱۹).

رسول خدا ﷺ به وی پیشنهاد هدیه یازده بزماده یا آموختن دعا رامی دهد و جابر با اینکه



احتیاج مبرم به بزها داشته، آموختن دعا را می‌پذیرد. این قضیه نشان از علاقه وی به علم آموزی و معارف دین دارد (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۳۱). وی برای آموختن حدیثی از عبدالله بن انس (م ۵۴ق) در مورد قصاص که از رسول خدا ﷺ می‌دانست، شتری خرید و به مصر سفر کرد و یک ماه در راه بود (مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۴۹۵؛ المستدرک، ج ۲، ص ۴۳۷؛ الرحله، ص ۳). این داستان به یک مثل نیز تبدیل شده بود، چنانکه وقتی عمر بن ابی سلمه (م ۸۳ق) به اوزاعی (م ۱۵۷ق) اعتراض کرد که چرا به وی در مدت چهار روز فقط سی حدیث آموخته است، با جواب اوزاعی مواجه شد که خیلی زیاد است، چنانکه جابر برای آموختن یک حدیث به مصر سفر کرد (جامع المسانید، ج ۲۴، مقدمه، ص ۲۵). او با مشاهده لوح سبز نزد حضرت فاطمه ؑ، از حضرت درخواست می‌کند که متن حدیث را بنویسد (الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۸؛ کمال الدین، ص ۳۰۸-۳۱۱؛ عيون اخبار الرضا ؑ، ج ۱، ص ۴۱-۴۵؛ الغيبة، ص ۶۲-۶۶). شوق جابر در آموختن علم موجب گردید در پایان عمر چندی مجاور خانه خدا شود تا احادیثی بشنود (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۱). همچنین برای وی کتاب و صحیفه نام بردۀ اند (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۹۶؛ ادامه مقاله).

شخصیت فقهی

جابر در حوزه احکام فقهی صاحب نظر بوده و فتوا می‌داده (رک: اعلام الموقعين عن رب العالمين، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن قیم اور ادرزمه صحابیانی آورده که تعداد متوسطی فتوا از آنها نقل شده است). از این رو، ذهبی (م ۷۴۸ق) اور ام جتهد، فقیه و مفتی مدینه خوانده است (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۸۹). به خصوص پس از درگذشت عبدالله بن عمر (م ۷۳ق) مرجعی بی‌رقیب در فقه مدینه بود (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۰).

ذهبی (م ۷۴۸ق) می‌نویسد: «جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام، در عصر خود، پیشوا و فتواده‌نده مدینه بود، او قبل از هجرت در عقبه منی همراه با هفتاد نفر بار رسول خدا ؑ بیعت کرد و از آن جناب دانش‌های ارزشمندی آموخت، او کتابی کوچک در حج دارد که در صحیح مسلم آمده است.» (تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۳)



جابراز کسانی است که در کنار صحابی مانند ابن عباس (م ۶۸ق)، عبدالله بن عمر (م ۷۳ق) و ابوسعید خدری (م ۷۴ق) جهت پرسیدن مسائل شرعی به وی رجوع می‌شده است (الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۷۲). البته وی مستقل‌ا در احکام فقهی فتوی نمی‌داده است و به نقل روایات رسول خدا ﷺ در ابواب مختلف مبادرت داشتند (ادامه مقاله). برخی از محققان با استناد به اخباری (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۶۷، معتقدند اصحاب، کلمات یکدیگر را به عنوان سخنان رسول خدا ﷺ نقل می‌کرده‌اند (رک: احادیث ام المؤمنین عائشه، ج ۲، ص ۳۶)؛ نقل روایت به وسیله امامان شیعه علیهم السلام از وی نشان از وثاقت و راستگویی او در نقل دارد (ادامه مقاله).

روایات فقهی نقل شده از جابر در کتب اربعه و دیگر مجامیع حدیثی شیعه به مقدار کمی نقل شده است، اما یک اسناد ارائه شده در «مشیخه» من لا يحضره الفقيه، نشان می‌دهد که نسخه‌ای در بردارنده مجموعه‌ای از روایات فقهی جابر در سده‌های نخستین هجری در میان امامیه دست به دست می‌شده است. در سنده این نسخه نام کسانی چون جابر جعفی (م ۱۳۲ق) و مفضل بن عمر (م بعد از ۱۸۳ق) به عنوان راوی دیده می‌شود (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۴۵). ولی در آثار فقهی و حدیثی امامی به برخی از فتاوی جابر اشاره شده است، مانند فتاوی وی در مورد احکام شفعه (علیه السلام، ج ۳، ص ۵۲۶)، صلاة (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۲۴)، شهادت (الامالی شیخ صدق، ص ۴۴۵)، حلیت متعه (النوادر، ص ۸۸؛ المسائل الصاغانیه، ص ۳۶؛ الانتصار، ص ۲۶۸)، رد تعصیب در اراثت (المسائل الصاغانیه، ص ۴۱۴؛ الانتصار، ص ۵۵۳)، صلاة (رساله عدم المضائقه، ص ۲)، حلیت متعه (ادامه مقاله) و حج (الكافی، ج ۴، ص ۳۳۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۲).

علاوه بر اینکه بخش مهمی از احادیث منقول از جابر در متون حدیثی اهل سنت، دارای ارزش فقهی است، فتاوی جابر نیز به عنوان فقیه و مفتی مدینه مورد توجه گذشتگان قرار داشته و نقل گردیده است. وی را از صحابیانی شمرده‌اند که ازوی فقه اخذ می‌شده است (طبقات الفقهاء، ص ۳۳). در خبری که از عبدالوارث بن سعید (م ۱۸۰ق) نقل شده،



ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) در اختلاف فقهای عراق در باب فقهی بیع و شرط به قول جابر استناد کرده است (الامالی والمعجالس شیخ طوسی، ص ۳۹۰).

بسیاری از فتاوی جابر در منابع مختلف اهل سنت نیز ذکر شده است، مانند مذهب مالکی (برای نمونه رک: الموطأ، ج ۱، ص ۳۵ و ۷۷؛ المدونة الكبیری، ج ۱، ص ۶۸ و ۷۹) و شافعی (الأم، ج ۵، ص ۲۴۰ و ۲۵۴)؛ برخی از کتب فقه تطبیقی مانند، اختلاف العلماء مروزی (مروزی، ص ۸۲ و ۸۷)، اختلاف العلماء طحاوی (طحاوی، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۵۱)، الاوسط (ابن منذر، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۲۲۷) والخلاف (شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۲۱ و ج ۲، ص ۲۴۷)؛ کتب غیر فقهی مانند، السیرة النبویة (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۱۵) والمصاحف (ابن ابی داود، ص ۱۶۵ و ص ۱۷۴) نقل شده است.

جابر در عصر خلفاء به فتاوی مخالف آنان بانص رسیده از رسول خدا ﷺ اعتراض کرده است؛ وی در مسائلی مانند لغو ذکر «حیی علی خیر العمل» در اذان (الاذان، ص ۳۰)، منع از بیع ام و لد (الانتصار، ص ۳۸۶) و منع از نکاح متوجه (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۲۳) به اعتراض پرداخته است. برخی از اخبار جابر از رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیهم السلام که در مخالفت خلیفه دوم در باب متوجه است و در آنها به نحوه متوجه کردن صحابه در عصر رسول خدا ﷺ و نهی از مخالفت آن نقل شده است، در کتابهای متعدد آمده است؛ مانند: (الایضاح، ص ۴۳۵ و ۴۴۱ و ۴۴۶)، (النوادر، ص ۸۸)، خلاصه الایجاز فی المتوجه، ص ۲۶ و ص ۳۰، المسائل الصاغانیه، ص ۳۶، (الانتصار، ص ۲۶۸)، (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳). وی خبری از امیرالمؤمنین علیهم السلام نقل می کند که اگر عمر متوجه را حرام نکرده بود، کسی مرتکب زنا نمی شد مگر شقی؛ آنگاه براساس آن به این حکم عمر اعتراض می کرد (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳). بنابر نقل منابع عامه، جابر فتاوی برخی از صحابه مانند ابوبکر (الموطأ، ج ۱، ص ۲۷؛ الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۱) و عمر (الأم، ج ۱، ص ۱۶ و ج ۷، ص ۲۵۲) را نیز نقل کرده است.

نقل روایات

جابر از صحابه‌ای است که احادیث فراوانی از رسول خدا ﷺ نقل کرده است؛ از این



رو، او را «حافظ سنت نبوی و مُکثِّر در حدیث» خوانده‌اند (الطبقات الکبری، ج ۲، قسم ۲، ص ۱۲۷؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۲۲۰). او در زمینه حدیث، فردی خبره و دقیق بود و در نقل اخبار و روایات، از رقابت‌ها و تعلیمات قبیله‌ای پرهیزمی کرد (رک: اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۳۷۸). احادیث مسنند جابر که از طریق منابع روایی اهل سنت نقل شده است، به ۵۴۰ حدیث می‌رسد که بخاری (م ۲۵۶ ق) و مسلم (م ۲۶۱ ق) در نقل ۵۸ حدیث آن اتفاق دارند (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۴). همان‌گونه که گذشت، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) و ابن کثیر (م ۷۷۴ ق) روایات جابر را جمع آوری کرده‌اند.

نقل روایات امامیه

همچنین باید به شماری از احادیث اشاره کرد که در منابع شیعی، به نقل جابر از امامان شیعه نقش بسته است (التمحیص، ص ۴۲ و ۶۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۶). در آثار شیعه، به خصوص احادیث جابر در فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت علیه السلام مورد توجه قرار داشته است.

برای نمونه نام جابر در سلسله روایان برخی از احادیث مشهور شیعی آمده است، از جمله در نقل حدیث غدیر (الغدیر فی الكتاب والسنۃ والادب، ج ۱، ص ۵۷-۶۰)، حدیث ثقلین (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص ۴۱۴)، حدیث مدینة العلم (الامالی و المجالس شیخ طوسی، ص ۴۸۳؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۴)، حدیث منزلت (معانی الاخبار، ص ۷۴؛ الامالی و المجالس شیخ طوسی، ص ۵۹۸؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۱، المناقب، ص ۶۰)، حدیث رد الشمس (الارشاد، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۶) و حدیث سد الابواب (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰).

وی در روایتی از رسول خدا علیه السلام، خیر البریه را امیرالمؤمنین علیهم السلام معرفی می‌نماید (الامالی و المجالس، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۹؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۳). همچنین از ایشان روایتی را نقل می‌کرد که به انصار توصیه می‌کردند با محبت امیرالمؤمنین علیهم السلام، حلال زادگی فرزندانشان را بیازمایند (الارشاد، ج ۱، ص ۴۵).



امام باقر علیہ السلام، راوی حدیث جابر بوده که در آن، رسول خدا علیه السلام امامان پس از خود را نام بردۀ است (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ مناقب آل ابی طالب علیہ السلام، ج ۱، ص ۲۸۲). و نیز ویژگی های حضرت مهدی فرج‌الله تعالیٰ را شناسانده است (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳، ۲۸۶، ۲۸۸). حدیث لوح از جمله احادیث مشهوری است که جابر آن را روایت کرده و نام های ائمه اثناعشر جانشینان رسول خدا علیه السلام در آن آمده است (الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۸؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۱۳).

شخصیت جابر در منابع رجالی امامیه محترم و مورد تأیید شمرده شده است. در برخی منابع رجالی آمده است که جابر، به دلیل شهرت روایاتی که در مدح او رسیده، نیازی به توثیق ندارد (منتهی المقال فی احوال الرجال، ج ۲، ص ۲۱۲؛ معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۲، ۱۵). امام صادق و امام کاظم به نقل از امام باقر علیہ السلام، چند حدیث نبوی را از جابر نقل کرده‌اند (برای نمونه رک: الاشعثیات (الجعفریات)، ص ۲۲، ۴۴، ۴۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸، ۱۴۴، ۵۲۸-۵۲۹، ۲۳۳-۲۳۴، ج ۵، ص ۵، ج ۳، ص ۳۷۳، ج ۲، ص ۵۳۲، ج ۲، ص ۱۶۹؛ عيون اخبار الرضا علیہ السلام، ج ۱، ص ۴۷، ج ۲، ص ۷۴). وی از اصحاب ائمه، از امیر المؤمنین تا امام باقر علیہ السلام، دانسته شده است (کتاب الرجال، ص ۳، ۷-۹؛ رجال الطوسی، ص ۵۹، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۹).

سال
پیغمبر اسلام
بیان اینجا

نقل حدیث از صحابه

جابر افزون بر روایت‌هایی که به طور مستقیم از رسول خدا علیه السلام نقل کرده، از طریق صحابه و گاهی تابعین نیز از ایشان روایت کرده است. امیر المؤمنین علیه السلام، طلحه بن عبید الله (م ۳۶ ق)، عمار یاسر (م ۳۷ ق)، معاذ بن جبل (م ۱۸ ق)، و ابوسعید خدری (م ۷۴ ق) (رک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۴، ص ۴۴۴)، نیز: ابو عبیده جراح (م ۱۸ ق)، خالد بن ولید (م ۲۱ ق)، ابی بردۀ بن نیار انصاری (م ۴۱ ق)، ابو قتاده (م ۵۴ ق) و حتی ابو هریره (م ۵۸ ق)، ابوبکر (۱۳ ق) و عمر (م ۲۳ ق) (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴) از جمله صحابه‌ای هستند که جابر از آنها روایت کرده است.



وی از صحابیاتی مانند، ام شریک از همسران رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم}، ام مالک و ام کلثوم دختر ابوبکر، نیز روایت نقل کرده است (تبیان، ج ۸، ص ۳۵۲).

شاگردان جابر

وی در مسجد رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} جلسه تدریس داشته (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۲-۴۳) و شماری از تابعین مانند، سعید بن مسیب (م ۹۴ ق)، حسن بن محمد بن حنفیه (م ۹۵ یا ۹۹ ق)، عطاء بن أبي رباح (م ۱۱۵ ق)، مجاهد بن جبر (م ۱۰۴ ق)، عمرو بن دینار مکی (م ۱۲۶ ق)، عامر بن شراحیل شعبی (م ۱۰۴ ق)، حسن بصری (م ۱۱۰ ق) (برای آگاهی از فهرست کامل راویان حدیث از جابر رجوع کنید به: تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۴، ص ۴۴۴-۴۴۸؛ جابر بن عبد الله انصاری، ص ۱۰۸).
سال نوزدهم، شماره ۶۷، پیاپی ۱۴۱
نیز: اسد بن سعید (الامالی شیخ مفید، ص ۶۹)، ابو حمزه ثمالی (م ۱۵۰ ق) (الكافی، ج ۳۲۴، ص ۴۰۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۴۸-۴۴۹)، جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ ق) (معانی الاخبار، ص ۵۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۴)، سلیمان بن قیس یشکری بصری (م قبل از ۸۰ ق) (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۷۲)، سلیمان بن مهران الاعمش (م ۱۴۸ ق) (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۱۰۰)، عکرمه مولی ابن عباس (م ۱۰۷ ق) (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۳۴۷)، زید بن علی بن الحسین علیهم السلام (م ۷۶ ق) (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۰)، موسی بن عقبة (م ۱۴۱ ق) (جامع المسانید، ج ۲۵، ص ۴۴۳)، واٹله بن اسقع (م ۸۵ ق) (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۴)، عطیه عوفی (م ۱۱۱ ق) (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۹ و...)، عبدالرحمن بن جابر بن عبد الله انصاری (جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۲۳۸)، عبدالملک بن مروان (م ۸۶ ق) (الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۳۴)، حدیث اورامی نوشتند (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ تقیید العلم، ص ۱۰۴؛ الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۴۳۵) و ازوی روایت کرده‌اند. برخی در شمارشی تعداد راویان از جابر را ۱۶۶ نفر ذکر کرده‌اند (رک: جابر بن عبد الله انصاری، حیاته و مسند، ص ۱۱۷-۱۲۵).

۱. امام سجاد علیهم السلام ذیل آیه ۵ احزاب می‌فرماید: مقصود از زنی مؤمن که خود را به پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} بخشید، ام شریک است. (رک: طوسی، تبیان، ج ۸، ص ۳۵۲)



تفسیر قرآن

جابر را از بزرگان تفسیر نامده‌اند (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۶). در تفسیر قرآن کریم، از جابر روایات بسیاری نقل شده است (برای نمونه رک: تفسیر القرآن صنعتی، ج ۱، ص ۸۹، ۱۳۱، ۱۲۹، ج ۲، ص ۲۱۱، ۲۳۱-۲۳۲؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲، ۳۰۲، ج ۴، ص ۱۵۵، ۱۶۶). آرای تفسیری جابر درباره برخی آیات قرآن، همسو با دیدگاه تفسیری شیعه است (رک: مجمع البیان، ذیل احزاب / ۳۳؛ نساء / ۲۴). روایتی که امام صادق علیه السلام از پدر گرامیشان و از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند، رسول خدا علیه السلام به جابر فرمودند که هنگام قرائت سوره حمد در نماز بسم الله الرحمن الرحيم را بخواند (دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۶۱). در ذیل آیه «والسابقون الأولون» (توبه / ۱۵) نخستین مسلمانان را امیر المؤمنین و خدیجه بنت خویلد سلام الله علیهمَا دانسته است (مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۵). در آیه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ وَيَتَلَوُهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» (هود / ۱۷) شاهد را امیر المؤمنین علیه السلام دانسته که برای رسول خدا علیه السلام شهادت می‌دهد (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۰). این تفسیر را امام باقر و امام رضا علیهم السلام فرموده‌اند. طبرسی (م ۵۴۶) با اسناد خود از جابر و او از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۰). وی در ذیل آیه «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّثَ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُحِبُّونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل / ۹۰) حدیثی از رسول خدا علیه السلام نقل کرده که امت اسلام اگر بغض علی بن ابی طالب علیه السلام را داشته باشدند با صورت به جهنم خواهند افتاد (مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۱۰؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۵۴۹-۵۵۰). جابر مصدق آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) را پنج تن آل عبا علیهم السلام بیان نموده است (مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۷؛ شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۲۹). در ذیل آیه «وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» (محمد / ۳۰) روایت کرده که منافقین را در عهد رسول خدا علیه السلام به وسیله بغض آنان نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام می‌شناختیم (مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۶؛ فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۳۹؛ جامع المسانید، ج ۲۴، ص ۲۳۲).

صحیفه جابر

روش جابر بنوشت احادیث بوده است، بنابراین دارای نوشه هایی قابل توجه بوده



است که بر دیگران قرائت شده و آنان نسخه برداری کرده‌اند. مهم‌ترین اثری که در منابع از او یاد شده، صحیفه جابر است. این صحیفه را، که نمونه‌ای از کهن‌ترین صورت‌های تدوین حدیث است، سلیمان بن قیس یشکری (م قبل از ۸۰ق) گردآورده، اما به سبب درگذشت زود هنگام سلیمان، راویان دیگر بدون قرائت و شنیدن از متن صحیفه نقل کرده‌اند (الکفاية فی علم الروایة، ص ۳۹۲). نسخه‌ای از این صحیفه در مجموعه شهید علی پاشا در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است (استدراکات علی تاریخ التراث العربی، فؤاد سرگین، قسمت علم الحدیث، ص ۳۲).

ربیع بن سعید (سعد خراز جعفی کوفی) از اصحاب امام صادق علیه السلام در این باره می‌گوید: خود دیدم جابر نزد عبدالرحمن بن [عبدالله بن] سابط (م ۱۱۸ق) بر الواحی می‌نوشت (المصنف، ج ۶، ص ۲۲۸؛ تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۳۷۳؛ تقیید العلم، ص ۱۰۹؛ جامع بیان العلم و فضله، ج ۱، ص ۷۲ و ۸۶).

همچنین، عبدالرزاق صنعتانی (م ۲۱۱ق) از معمر، خبراز صحیفه جابر می‌دهد که نزد محدث مشهور، قتاده بن دعامه (م ۱۱۷ق) بوده و از آن مطلب نقل می‌کرده است (تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۵۰۸). و آن را از سلیمان بن قیس یشکری (م قبل از ۸۰ق) اخذ نموده است (تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۵۰۸؛ رک: معرفة علوم الحديث، ص ۱۰۴). یا اینکه صحیفه جابر را نزد قتاده (م ۱۱۷ق) و حسن بصری (م ۱۱۰ق) برداشت و برآن دو روایت کردند یا آن را اخذ کردند (سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۸۸؛ معرفة العلوم، ص ۱۱۰). همچنین می‌گویند که صحیفه جابر به روایت از سلیمان یشکری بر قتاده قرائت شده بود (مسند ابی الجعد، ص ۱۵۹). وی نیز این کتاب را بر سعید بن مسیب (م ۹۴ق) (صحائف الصحابة، ص ۱۳۹) و سفیان بن عینه (م ۱۹۸ق) (تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۵۰۸) عرضه کرد.

به هر حال، عرضه صحیفه جابر بر دیگران، به خوبی از انتشار صحیفه جابر نزد محدثان در دوره تابعان و پس از آن حکایت دارد. احمد بن عبد الرحمن الصویان، ده تن از این افراد رانام می‌برد که افزون بر افرادی که نام برده شدند، عبارت اند از: ابوسفیان طلحه بن نافع اسکاف الواسطی، شعبی عامر بن شراحیل همدانی (م ۱۰۳ یا ۱۰۴ق)، ابوبشر، مطرف بن



عبدالله شخیر(م ۸۶ق)، ثابت بن دینار ابو حمزه ثمالي (م ۱۵۰ق)، مجاهد بن جبر(م ۱۰۴ق) (ابن سعد می نویسد: كانوا يرون أن مجاهدا يحدث عن صحيفة جابر. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۰) و معمر بن راشد (م ۱۵۳ق) (صحائف الصحابة، ص ۱۳۸-۱۵۷).

برخی از این افراد در روایات غزویات از جابر در اسناد قرار دارند. این امر نشان می دهد که این صحیفه می توانست مطالب سیره نبوی و یا بخشی از آن باشد. از جمله دلایل این موضوع می توان به سندي از جابر اشاره کرد که سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق)؛ برای حوادث آخر عمر رسول خدا ﷺ و ماجراي كتاب و دوات برای نوشتن وصیت، از جابر نقل می کند و می نویسد: «عن رسالة جابر بن عبد الله الأنصاري في المتفق عليه من صحيح مسلم ...» (الیقین، ص ۵۲۱؛ رک: صحيح مسلم، ج ۱۱، ص ۸۹، باب كتاب الوصية، باب الوقف)

عنوان «عن رسالة جابر بن عبد الله الانصاري»، به خوبی نشان از دفتر حدیثی جابر دارد و از ظاهر عبارت آشکار است که این رساله نزد مسلم بوده است و او از آن در کتاب صحیح، در بخش مستند جابر استفاده کرده است.

اقوال تاریخی جابر

جابر به مرتعی مهم برای سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام نیز مبدل شد. روایات پرشمار تاریخی به نقل از او نقل شده است، مانند: المغازی (واقدی، ج ۱، ص ۸۷ و ۲۶۶)، السیرة النبوية (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۱۶ و ۲۲۸)، الطبقات الكبرى (ابن سعد، ج ۲، ص ۴۹ و ۶۱)، التاریخ (یحیی بن معین، ج ۲، ص ۷۴-۷۵)، تاریخ الامم والملوک (طبری، ج ۱، ص ۲۳۱ و ج ۲، ص ۳۰۶). بعلاوه از سوی برخی تابعان مشهور مانند عروة بن زبیر (م ۹۴ق) (الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۷۹)، ابوسلمہ بن عبد الرحمن (م ۹۴ق) (تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۳۰۴)، سعید بن مسیب (م ۹۴ق) و قتادة بن دعامة (م ۱۱۸ق) (المعارف، ص ۱۶۲) به عنوان مرجعی در حل مسائل تاریخی شناخته می شد. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پس از بیان جایگاه خود نسبت به رسول خدا ﷺ از آنان خواست چنانچه به سخنان او اطمینان ندارند، از اصحابی چون جابر بن عبد الله انصاری پرسند (الارشاد، ج ۲، ص ۹۷). ابن عقیل عبد الله بن محمد (م بعد از ۱۴۰ق) در این باره می گوید: به همراه امام



باقر علیہ السلام نزد جابر می رفتیم و از اخبار رسول خدا علیہ السلام جویا می شدیم و هرچه می شنیدیم می نوشتم (معجم الصحابة، ج ۱، ص ۴۴۴-۴۴۵).

در میان راویان و شاگردان جابر که سیره نبوی را از وی دریافت و گزارش می کردند، شمار قابل توجهی از صحابه، فرزندان و نوادگان آنان بودند که گویای آگاهی فراوان جابر از حوادث و اخبار سیره است؛ به گونه ای که وی مرجع و استادی برای صحابه و فرزندان و نوادگان آنان شده بود که خود و یا پدران ایشان در رویدادهای دوران رسالت بوده اند.

برخی از راویان او، از سیره گویان و سیره نویسان مشهور هستند که می توان شرحیل بن سعد مدنی (م ۱۲۳ق)؛ عاصم بن عمر بن قتاده (م ۱۲۰ق) و شعبی ابو عمر عامر بن شراحیل کوفی (م ۱۰۳ یا ۱۰۴ق) را در این میان نام برد (در ادامه اشاره می شود).

مقایسه گزارش های جابر با صحابه و در مرحله بعد تابعین، به خوبی پیشگامی جابر و ممتاز بودن او را به عنوان یک متخصص سیره نبوی نشان می دهد. برخی معتقدند این تخصص، ناشی از سه امر است: ۱. صحابی و مدنی بودن جابر، ۲. وقوع حوادث ده سال عصر رسالت در مدینه و اطراف آن و حضور فعال جابر در حوادث، ۳. دشمنی و تلاش مغرضانه حاکمان اموی و علمای همسو با آنان چون عروه، با بنی هاشم و انصار در عرصه سیره نبوی و مقابله انصار با این سیاست. بنابراین در دو بخش سیره گویی و سیره نویسی، از نظر قدامت و اعتبار، کسی به رتبه جابر نمی رسد حتی عایشه. بخش نخست یعنی سیره گویی از روایات او به خوبی آشکار است و بخش دوم نیز روایات متعدد، حاکی و گویای داشتن نوشه هایی در سیره برای جابر است (رک: شیعه پیشگام در سیره نگاری، جایگاه جابر بن عبد الله انصاری در سیره نگاری، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۹).

وی همچون محدثی آشنا به قواعد، راستگویی و امانت داری بدون حب و بغض رادر نقل اخبار سیره رعایت کرده و شواهد متعدد و اعتماد سیره نویسان بعدی به تمام روایات جابر، گویای این مطلب است. ابن اثیر ذیل حدیث «اهتز عرش الرحمن لموت سعد بن معاذ»، و ادعای برخی از خزرجی ها مبنی بر تحریف این حدیث از اصل آن یعنی «اهتر السری...»، گوید: «جابر، آن را ناشی از دشمنی این دو گروه دانسته است و با اینکه خود



خرزجی است، اما نظر او سی‌ها را تایید کرده است» (اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۹۳).
البته حابر در باب اخلاق نیز روایاتی از رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نقل کرده که مورد توجه منابع شیعه و سنی قرار گرفته است. مانند روایاتی از رسول خدا ﷺ در توصیف نزدیکترین افراد به ایشان در قیامت (الغایات، ص ۲۰۳؛ الامالی شیخ مفید، ص ۶۶-۶۷)، از امیرالمؤمنین علیهم السلام در شمارش قوام دین و دنیا (نهج البلاغة، ص ۵۴۱)، از امام حسن مجتبی علیهم السلام در شمارش مکارم اخلاق (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۶) و
ایشان در باب دعا و عبادات نیز نیز روایاتی از رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نقل کرده‌اند (رک: عده الداعی، ص ۳۱ و ۴۷؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۳۸ و ...). که نشان از جامعیت وی در کنار علوم ذکر شده دارد.

سینه، اسلامی، پژوهشگران

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغة

ابن ابی داود، عبدالله، المصاحف، قاهره، ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.

ابن ابی شیبہ، المصنف، تحقیق حمام سعید محمد، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۲۹ق.

ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفة الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن اشعث کوفی، الشعثیات (الجعفریات)، چاپ سنگی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.

ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، بیروت، چاپ حسین اعلمی، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.

ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش، ششم.

ابن بابویه، معانی الاخبار، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ش.

ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۴ق.

ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، چاپ علی اکبر غفاری، ۱۳۶۳ش.

ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، بیروت، چاپ علی محمد بجاوی، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.

ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائیم الإسلام، تحقیق فیضی، آصف، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۵ق، دوم.

ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارصادر.



ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: چاپ هاشم رسولی محلاتی، بی‌تا.
ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقيق، بجاوى، علی محمد، دار الجیل، لبنان،
بیروت، اول، ۱۹۹۲ م، ۱۴۱۲ق.

ابن عبدالبر، جامع بیان العلم وفضله، جامع بیان العلم وفضله، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق.
ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، چاپ علی شیری، ۱۴۲۱۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵-۲۰۰۰م.

ابن قاسم، عبد الرحمن، المدونة الكبرى، قاهره، ۱۳۲۴-۱۳۲۵ق.

ابن قتیبه، عبدالله، المعرف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۹۶۰م.

ابن قیم جوزیه، اعلام الموقعين عن رب العالمین، بیروتف چاپ طه عبد الرؤوف سعد، ۱۹۷۳م.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، جامع المسانید والسنن الہادی لاقوم سنن، مصحح قلعجی، عبد المعطی
امین، ۲۰۰۲م، دارالفکر؛ دارالکتب العلمیه.

ابن معین، تاریخ ابن معین، تحقیق احمد محمد نور سیف، مکه مکرمہ، دارالمأمون للتراث، بی‌تا.

ابن منذر، محمد، الاوسط، به کوشش صغیر احمد محمد حنیف، ریاض، ۱۴۰۵ق.

ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، قاهره، ۱۳۷۵ق / ۱۹۵۵م.
ابن همام اسکافی، التمحیص، قم، مدرسة الامام المهدی علیه السلام.

ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی الشعرا القمی، النواودر، مدرسه امام مهدی عج، قم، ایران.

ابو جعفر محمد بن الحسن الطویسی، الامالی، تحقیق مؤسسه البعلة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق، اول.

ابو جعفر محمد بن الحسن الطویسی، تهذیب الأحكام، تحقیق خرسان، حسن الموسوی، دارالکتب
الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، چهارم.

ابو محمد جعفر بن احمد القمی الرازی، الغایات، مجتمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ایران.

ابونصر محمد بن مسعود بن عیاشی (عیاشی)، تفسیر العیاشی، المکتبة العلمیة الاسلامیة، تهران،
ایران.

ابواسحاق شیرازی، ابراهیم، طبقات الفقهاء، به کوشش خلیل میس، بیروت، دارالقلم.

ابوالموید الوفق بن احمد اخطب خوارزم معروف به خوارزمی، مکتبه نینوی الحدیثة، تهران، ایران.

ابو جعفر محمد بن الحسن الطویسی، الغيبة، مکتبة الصدق، طهران، بی‌تا، ایران.

ابو جعفر محمد بن حسن الطویسی، التبیان، به کوشش العاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

ابو جعفر محمد بن حسن الطویسی، الخلاف، به کوشش محمد مهدی نجف و دیگران، قم، ۱۴۱۷ق.

ابوعبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفة، بیروت، لبنان.

ابوعبدالله الحاکم النیشابوری، معرفة علوم الحديث وکمیة أجناسه، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، اول،
۱۴۲۴ق.

ابوعبدالله علوی، محمد، الاذان، به کوشش یحیی عبدالکریم فضیل، دمشق، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.

احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، تحقیق عباس، وصی الله بن محمد، دار ابن الجوزی، مصر، قاهره،
چهارم، ۱۴۳۰ق.

احمد بن علی خطیب بغدادی، الرحلۃ فی طلب الحديث، بیروتف چاپ نورالدین عتر، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.



- احمد بن علی خطیب بغدادی، تقيید العلم، بيروت، چاپ یوسف عش، ۱۹۷۴م.
- احمد بن علی خطیب بغدادی، کتاب الكفاية فی علم الروایة، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، اول، هند - حیدرآباد، ۱۳۵۷ق.
- احمد بن فهد حلی، عده الداعی، دارالكتاب الاسلامی، قم، ایران.
- احمد بن محمد برقی، کتاب الرجال، تهران، ۱۲۸۳ق.
- احمد بن محمد بن عیسی، النوادر، قم، ۱۴۰۸ق.
- احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، دارالمعارف، مصر
- بغوی، عبدالله بن محمد، معجم الصحابة، تحقیق محمد الامین الجکنی، کویت، مکتبة دارالبيان، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر، دارالحدیث، قاهره، مصر، اول، ۱۴۱۹ق یا ۱۹۹۹م.
- حسکانی، شواهد التنزیل، مؤسسه اعلمی، بيروت، لبنان.
- حسین واثقی، جابرین عبدالله انصاری حیاته و مسنده، بوستان کتاب، دوم، ۱۸۹ش، قم، ایران.
- حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، به کوشش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق.
- خیرالدین زرکلی، الاعلام، بيروت، ۱۹۸۶ق.
- دکتر موسی بن علی بن محمد الامیر، جابرین عبدالله انصاری و فقهه، لبنان، بيروت، ۱۴۲۱ق، بی نا.
- ذهبی، ابوعبدالله شمس الدین محمد، سیرأعلام النبلاء، قرن ۸ق، موسسه الرسالة، بيروت، ۱۴۱۳ق، التاسعة، شعیب الأنداوط، محمد نعیم العرقسوی.
- ذهبی، ابوعبدالله شمس الدین محمد، قرن ۸، تذكرة الحفاظ، بيروت، دارإحياء التراث العربي.
- رضی الدین بن طاووس، رساله عدم المضایقة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ایران.
- سالم بن ابی جعد، مسنند ابی الجعد، بی جا، بی نا، بی تا.
- سید ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، تحقیق انصاری، قم، مؤسسه دارالكتاب، ۱۴۱۳ق.
- سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، م ۱۴۱۳ق، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
- سید محسن امین، اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، تحقیق سید حسن امین، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۰۳ق.
- سید مرتضی، علی، الانتصار، قم، ۱۴۱۵ق.
- سید مرتضی عسکری، احادیث ام المؤمنین عائشه، مجمع علمی اسلامی، اول، ۱۴۱۸ق، تهران، ایران.
- شافعی، محمد، الام، بيروت، دارالمعرفه.
- شعیری، جامع الاخبار، منشورات الرضی، قم، ایران.
- شيخ مفید، محمد بن محمد النعمان، الامالی، الموترالعالی لالفیه لشيخ مفید، ۱۴۱۳ق، قم، ایران.
- شيخ مفید، محمد بن محمد النعمان، السماں الصاغانیة، الموترالعالی لالفیه لشيخ مفید، ۱۴۱۳ق، قم، ایران.



شيخ مفید، محمد بن محمد النعمان، خلاصة الإيجاز، الموتر العالى للفيه لشيخ مفید، ١٤١٣ق، قم، ایران.

الصویان، احمد بن عبد الرحمن، صحائف الصحابة، به کوشش سعدی الهاشمى مسفر الدمینى، بى جا، بى نا، ١٤١٥ق.

طبرسى ابوالنصر فضل بن حسن، مکارم الخلاق، جامعه مدرسین، قم، ایران.

طبرسى، مجتمع البيان، تصحیح علامه شعرانی، مکتبه اسلامیظ، تهران، ایران.

طحاوى، احمد، اختلاف العلماء، متن مختصر، به کوشش عبدالله نذير احمد، بیروت، ١٤١٧ق.

عبدالحسین امینی، الغدیر فی الكتاب والسنة والادب، قم، ١٤٢٢-١٤١٦ق / ١٩٩٥-٢٠٠٢م.

عبدالرزاقي بن همام صناعي، تفسیر القرآن، رياض: چاپ مصطفی مسلم محمد، ١٤١٥ق / ١٩٨٩م.

علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، بنی هاشمی، تبریز، ایران.

فضل بن شاذان نیشابوری، الایضاح، م ٢٦٠ق، موسسه چاپ و نشر، دانشگاه تهران، ایران.

فقه الرضا علیہ السلام، مشهد، ١٤٠٦ق.

الكافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، دارالتعارف، بیروت، لبنان.

مالك بن انس، موطاً، م ١٧٩ق، تحقیق عبداللطیف، عبدالوهاب، جمهوریة مصرالعربیة، وزارة الاقاف،

المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، مصر- قاهره، اول، ١٩٩٤م، ١٤١٤ق.

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعۃ لدرر الاخبار، م ١١١ق، موسسه الوفاء، بیروت.

محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، معروف به ابوعلی حائری، منتهی المقال فی أحوال الرجال،

م ١٢١٦ق، مؤسسة آل البيت علیہ السلام لایحیاء التراث، اول، قم، ایران، ١٤١٦ق.

محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والمملوک، بیروت، ١٤٠٥ق.

محمد بن علی بن ابراهیم الاحسانی معروف به ابن ابی الجمھور، عوالی الالائی، مطبعه سید

الشهدا علیہ السلام، قم، ایران.

محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ناصرخسرو، تهران، ایران، ١٣٦٣، اول.

محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیہ السلام، قم، چاپ محسن کوچه باغی

تبریزی، ١٤٠٤ق.

مرزوی، محمد، اختلاف العلماء، به کوشش صبحی سامرایی، بیروت، ١٩٨٦ق / ١٤٠٦ق.

مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ١٩٥٥م.

مفید، محمد بن محمد نعمان، الارشاد، قم، ١٤١٣ق.

نجم عبد الرحمن خلف، استدراکات علی تاریخ التراث العربي لفؤاد سرگین فی علم الحديث، بیروت:

م ١٤٢١ / ٢٠٠٥م.

واقدى، محمد، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ١٩٦٦م.

وهبی سلیمان غاوچی، جابرین عبد الله صحابی إمام وحافظ فقیه، دارالقلم، دمشق، ١٩٨٨م.

وهبی سلیمان غاوچی، جابرین عبد الله صحابی إمام وحافظ فقیه، دارالقلم، دمشق، ١٩٨٨م.

یحیی بن معین، التاریخ، روایت دوری، به کوشش احمد محمود نورسیف، مکه، ١٣٩٩م / ١٩٧٩م.



يعقوبی، احمد، التاریخ، بیروت، ۱۳۹۷ق / ۱۹۶۰م.

يعقوبی، تاریخ، دارصادر، اول، بیروت، لبنان.

یوسف بن عبدالرحمن مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، چاپ بشار عواد معروف،

۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م.

مقالات

محمد رضا هدایت پناه، سیره نگاری جابرین عبدالله انصاری؛ شفاهی یا مکتوب؟، مجله تاریخ اسلام، دوره ۲۱، تابستان ۹۹؛

محمد رضا هدایت پناه، شیعه پیشگام در سیره نگاری جایگاه جابرین عبدالله انصاری در سیره نگاری، مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱۹.